

خورشید

سیاسی ادبی اجتماعی

سال اول
شماره اول

مجله ادبی و فرهنگی
محل اداره تهران خیابان گرگان
چهار راه معینه

مدیر داخلی
دکتر وکیل کردستانی
تحت نظر هیئت تحریریه
آبولیان
سالیانه یکصد و بیست ریال
تک شماره دو ریال

شماره ۱۹ مرداد
۱۳۳۰

خدا شاه مین

که اسلاف آنها سودای خام تباط
بر این خاک مقدس را در سر می
پروانیدند و بالاخره این آرزوی
خام را با خرد نگور بردند و
اکنون اخلاق آنها تحت عناوین
ظاهر فریب و با خدعه و نیرنگ
میخواهند این نقشه شوم را
اجرا نمایند مبارزه و پیکار می-
نمایم.

این علاقی ناکستی و خاطرات
بقیه در صفحه ۴

معمای نفت

در مباحثه های خود نسبت به نتیجه مذاکرات
اطهار خوشبینی منباید و بطوریکه میگویند
برای میانجی دودمان کرات تاوانی احساس نمایند
وجودشان در ایران برای حل مسئله غلط است
بقیه در صفحه ۳

قلم

فراموش نمی کنم در یکی از جشن
های فرهنگی کردستان که با آب و تاب
هرچه تمام تر برگزار میشد مقاله شبنام
تقلم مرحوم یحیی معرفت در رتبه فرهنگ
وقت در پیرامون قلم تهیه شده بود توسط
کودک خرد سال آنروز و مهندس عالی مقام
امروز (آقای مهندس عبدالاحد معرفت)
در محضر فضلا و دانشمندان ایراد گردید.
از آن موقع تاکنون خلاصه این
مقاله در خاطرم باقیست اینک که من هم
باز گردیده هنوز در تهران بسر میبرد و
بقیه در صفحه ۲



شادروان یحیی معرفت

برای ایشان و بنام ایشان سروده شده هرچه
در دسترس دارند بشیبه یک نغمه از عکس
خود بدین روزنامه ارسال دارند و ازین
راه بر ما متنی گذارند تا ازین رهگذر به
تکمیل شرح حال ما منتشر یک مساعی کرده
باشند.
مرحوم یحیی معرفت دارای آثار بیست
تا تاکنون بطبع نرسیده یکی از آن
آثار خط السیاحت فی تنظیم بقدر شحات
است.

مراتب فضل و دانش فقیه مزبور که
یکی از فضلاء مشهور کشور است از
توصیف مستغنی است و شرح حال و تاریخچه
خدمات فرهنگی آن مرحوم که پایه و اساس
فرهنگ کردستان را تشکیل داده در دسترس
جامع آوری و چاپ است و از خداوند
توفیق میخواهد با کمک و هم کاری
عالمندان به فرهنگ دیناری نزدیک چاپ
نماید.

ماری تشکیل این تاریخچه بکس
هسانی که از جشن های فرهنگی
گرفته شده و سستی از دردسترس ما
نیست احتیاج به مساعدت همکاران ندیم بهر حال
داریم.
همچنین از دوستان مرحوم معرفت
تقاضا داریم از آثار ادبی و شری معرفت
بعرضت با اشعاری که از طرف شما

برای ایشان و بنام ایشان سروده شده هرچه
در دسترس دارند بشیبه یک نغمه از عکس
خود بدین روزنامه ارسال دارند و ازین
راه بر ما متنی گذارند تا ازین رهگذر به
تکمیل شرح حال ما منتشر یک مساعی کرده
باشند.
مرحوم یحیی معرفت دارای آثار بیست
تا تاکنون بطبع نرسیده یکی از آن
آثار خط السیاحت فی تنظیم بقدر شحات
است.

وجه تسمیه روزنامه

بخواهی میدانند و بر زبان فاسوس مسلط
هستند و میدانند که خود را در خورشید است
و شبنام یعنی است یعنی سیار روشن که بخور
ایمان شده و این صفت بسیار غالب
کلمات جشید، فرخنده، موشید در آمده
کلمه خورشید برای آنها ساده و آسان هم
میدانند یعنی معنی است که خورشید
و وجه تسمیه جهت آنان نیز لازم نیست
و معنی کردن از یک کلمه فارسی برای آنان
ضرورت ندارد.

کلمه خودشان در بین اهالی غرب
مخصوصاً کرد زبانان کلمه کاملاً معاصری
است و منظور از معنی است که خورشید
در آن می شیند و از نظر پنهان میشود
این کلمه در کسری دست بمانی
مغرب استعمال میشود عکس آن یعنی مشرق
و محور هلال میگویند یعنی معنی است که آفتاب
بر می آید و طلوع میکند
بنابر این ذکر وجه تسمیه خورشید
برای کرد زبانان لازم و غیر لازم میباشد
اما برای برادران فارسی زبان که
آنها هم در طیف هستند
یکی آنهاست که زبان مادری خود را

خدا شاه مین نویسد بخاک
وطن دوستی افتخار من است
بدین یوم و روزنامه یکتا عباد

بخنجر اگر خون چکد فلک پاک
من ایرانم این شعار من است
چو ایران نباشد تن من مباد

الکریم اذ او عد وفا

سخنی چند با جناب آقای دکتر

سنجایی وزیر فرهنگ

اکنون هنگام اجرای نظریات

اصلاحی جناب عالی است

وجود جناب عالی در احوال و احوال فرهنگ
موجب امیدواری و خوشوقتی علاقه مندان به
اصلاح فرهنگ است، ولی اگر فکر کنیم
ملکیت پهلوی ایران تنها معبود و سیاست
و چند شهرستان دیگر که تا اندازه ای از
تحت فرهنگ بهره مند شده اند نمی باشد و
اکثریت مردم ایران را ابلت و کشاورزان
تکلیف میدهد که تاکنون کترین توجهی
به فرهنگ آن نشده است
آقای دکتر مصطفی خورشید و سیاست
شده چه باین است که تا باشد فرهنگ
ایلات و عشایر و کشاورزان این ملک
بقیه در صفحه ۲

تقره انداز و حکومت کن

اتلی - چر چیل

حائری زاده - دکتر متین دفتری

ما را بقع خود حل کنند و بالاخره
در این حال که ملشما برای ایران حقوق
بقیه در صفحه ۲

بسران و سایر قرب

روزنامه خورشید در نظر دینار به
قبایل و عشایر غرب را بتدریج جمع آوری
و منتشر نماید تا بر این اثر سران عشایر
خواهشند است تاریخچه عشایر خود را
با خفمانی که در راه میهن ایجاد داده اند
بدین روزنامه فرستند و در صورت امکان
عکس در گفتنیگان و عکس اشخاص نامی
امروز را هم ارسال دارند

کشف جدید علمی
در صفحه ۴

مردم شمال شرق تهران

چه میگویند؟

عده‌ای از اهالی شمال شرق سامراجه و میگویند:

زبانی که دایره موافق شهرداری بیش از محلات دیگر دریافت میشود و همیشه عوارض پرداختی آنجا پسر جیمیت را بصرف محلات دیگر مخصوصاً خیابانهای زیر کربینه رسانیده و ما را از مزایای شهر نشینی محروم و بیست مکتوس عوارض پرداختی ما را از برق و آب و اسباب بی بهره ساخته اند.

معمداً در این موقع که بنیاست روز ۲۳ تیرماه و حوادث خونین میدان بهارستان اولیه امر که از این ناسازی و عدم موازنه بخوبی مستعصر ندیدی دانسته باشی ترین مردم تهران سکنه شمال شرق می باشند.

محل متینک را از میدان بهارستان بپیمان شهناز منتقل کرده اند و بغرض اینکه انشاء افه حوادث خونینی پیش نیاید و

هفت غمی بخند باجناب آقای نقره انداز و حکمت گنی

سرو موثری داده شود باید بدست عاصری مقطع تحصیل کرده و علائق تفریح اجتماعی باشد.

از طرف دیگر فاطمه اکرام از اینکه یکی از فرزندان نجیب و دانشمند کرد جزء هیئت دولت می باشد که بخوبی از توانی و دود های مردم آسمان اطلاع دارد خوشحال بوده و امیدوار اند که بدست شما و بر اثرانی شما اصلاحات اساسی بخصوص در مناطق کرد نشین صورت گیرد.

جناب آقای دکتر سنجابی اکرام از جنابایی چشم انتظار دارند که توجه عاجل دولت را نسبت به مناطق کرد نشین جلب نموده و مشاغل و خدمات برای بیست فرهنگ در آن نواحی قدم های مؤثر و جلی بر دارد.

جناب آقای دکتر سنجابی یقین فراموش نکرده اید در سخنرانی شما و مبین برسانه ای که جنتی قبل از تصدی مقام وزارت در کانون هدایت انکار ایراد نموده بود چه طوطی اسبی و چه پرده های صحنی برای تأمین سعادت اگر ادیان و اذانه بودید.

هنوز صدای جنابایی در گوش های مستعین صحن افغان است که فرمودید:

تاکنون هیچک از دولت ها با علم و اطلاع توجهی باکراد ننموده و ما اگر بکودت ملی و فویرنه داشتیم از مسئله کسرد بصورت یک اسلحه قوی استفاده می نمودیم اینک بدین خانه بگذارند که هفت از وی دوست دشمنان ایران باشد.

تاکنون هنگام از دیده است و داین دولت ملی که خوشبختانه خود جنابایی تشکیل آن شرکت در این نظریات اسلامی خود را انجام فرمایید و بدین که دیدگان عاصر علائق تکران غلبات جنابایی است نایبانه افلاجه قدم های برای توسعه فرهنگ در مناطق کرد نشین بر میدارید و راهی که پیر و پاک و پوست کنده را بگویم.

مردم منتظرند بدین که در زمان وزارت خود چه خدماتی را در راه شهرهای محروم خود میفرمایند.

جناب آقای دکتر سنجابی اکنون که مسئله کسرت به حدیقت دارد بتفع ملت ایران حل می شود شایسته است جنابایی توجه شایسته دولت را بناتفاق کسرد نشین جلب و خودتان نیز حتی- افزودن این موقع سال تحصیلی در ظرف افتتاح است برای ایجاد هیئت عالی برای اقدام فرمایید.

جناب آقای دکتر سنجابی انتظارات عاصر روشنگر از جنابایی زیاد است امیدوارم در آینده وزارت کام های ملی برای اگر بر داشت و باین وسیله نشان دهد که تفاوت و احساسات مردم در باب جنابایی صحیح بوده و نام شما کاملاً با سرکشی و افتخار نوام باشند.

«جنت تحریریه»

جندیت توین کشف علمی بدست يك پزشك ایرانی

آیا باین وسیله کورها بینا و فالج ها سالم خواهند شد؟

باز اطلاع آقای دکتر دولریاستن سرم مخصوصی تهیه نموده اند که بآن میتوان هر عصبی را که آترونی (صفر) یا بنه باشد مجدداً بهبودی داده و باصلاح عصب را و زهره منبسط، اینبار خود را و زهره خود را آزمایش قرار گرفته امتحانات اولیه بآن سپارید و بخش بود است چنانچه دفر نایب را که بتلا بآترونی عصب چشم بوده اند بطور محسوس دارای دید نبوده است و چنانچه بدین ترتیب شرفت مایه بی شک موفقیت بزرگی عصب این پزشکته ایرانی شده است زیرا فالج ها و کورها و لالها که علت عارضه آنها عصبی باشد بهبودی خواهند یافت و ما خوشونتیم که اولین بادرین خبر را با اطلاع خوانندگان محترم رسانیدیم در مساحه که با آقای دکتر طرفه رئیس بخش چشم پزشکی بیمارستان فیروز آبادی بعمل آمده ایشان از نتایج که از این سرم در درمان بیماران چشمی مبتلا به صرع چشم گرفته اند اظهار رضایت کامل نموده و امید دارند که نتیجه از این سرم در درمان این بیماران که تاکنون لا علاج بودند استفاده شود.

عکسهای قدیم



خوشبین در نظر دارد عکس های جالب توجه قدیم را که از شخصیت های بزرگ محلی یا آذاتر و اینه و منظر مایه گرفته شده باشد گردود و منتشر کند و در این شماره عکس های از رجال نامی کردستان را از چپ برست:

۱- مرحوم خلد آذیان حاج میرزا ابوالقاسم مظفراللام ۲- مرحوم جنت بکن حاج شیخ ابراهیم ۳- شادروان حاج میرزا مکرر اردلان مرحوم مروری شیخ آقا شاه امام جمعه ۴- مرحوم ستم خان ناظم ۵- جناب آقای محسن صدیق وزیری که اکنون در شیراز تشریف دارند و مورد علاقه و تکریم عموم بود. ریاست بانک رهنی را هم در آن ۶- مرحوم حاج مشاودالوزاره معنوی اهل تهران که در آن روز ریاست داداری کردستان را عهده دار بودند ۷- مرحوم شیخ غفور از خوانندگان گرامی تقاضا داریم در این قسمت باما همکاری و هر کس عکس جالبی دارد برای درج بدین روزنامه ارسال دارد

ده های نفت

بستر استوکی داده و تقاضا کرده اند که روسای آنها انگلیسی باشد از طرف دیگر گویا آمریکایی ها نیز قرار شده سهامی در شرکتی که برای فروش نفت تشکیل میشود داشته باشند در صورتی که یکی از مستغویان دولت انگلیس آنرا تکبید نمود و میگوید دیگر بر شما هانزود خلاصه باید گفت تاکنون بر خلاف آنچه که با آب و تمام تبلیغ میشود مسئله نفت نگر دیده و با تجرکات سیاسی که از طرف بلوک مخالف هم می شود بعد به نظر میرسد که باین آسانی بتوان قانون ملی شدن را بفرجه اجرا در آورد.

این جناب آقای دکتر مصدق که به پهلوان نفت مفت گردیده و سیاست این زودی دست از مذاکرات بکنده علی العصور که هنوز معتقدین ایشان زیاد و محبوبیتشان در میان مردم ازین ترفته است و اگر گاه و بی گاه اظهار بدینی نسبت سایشان میشود باز مردم از ته دل امید دارند که این مسئله دست ایشان بجزایر مغلوب ساخته بدور با انصاف جبراید دولت مخالف مسئله ملی شدن و تجدید قرارداد اگوسه در بین فلیدار بوده و خدایه با مقامات دولت اعتراض میکنند ما در زمین اینک ضحاک شادروانی جناب آقای دکتر مصدق را تأیید و تقدیر مینمایم ناچاریم بگوئیم تاکنون ایشان موفقیتی کسب ننموده اند و مسئله واداری نفت کمرانشه (که بقرار مسعود خرمی است) بدست گرفتن توجیع نفت در داخل کشور که یکی از مشکلات شرکت سابق بود هیچکدام موفقیتی نیست که شایسته آنچه فداکاران ما باشد که از طرف مدت مدول شده و امیدواریم که ایشان بتوانند بتیوکه منابع ملی تأمین شود و موجبات دردمندی درآیند باشد مسئله نفت را حل نمایند.

«جنت تحریریه»

قلم

بقیه از صفحه ۱

قلم بدست گرفته در سلك روزنامه نگاری در دهه مضطرب آن روز در نظر مجسم و بیاد آن مجلس افتاده بی اختیار بیاهاب آقای مظفر اعظم فرماندار وقت که در صدر مجلس نشسته و فعلاً آن روز با شرکت خود بر شکوه جشن افزوده بودند از خاطرم خطور نمود باز بیاد مقاله قلم افاندم و عیداتی از آن مقاله بخاطرم آمد که کوی صدای کوبیده آن نبرد کوشم طنین انداز است و اینک غفل آن عیدات میرد از قلمی که من میخوانم شرح بدهم آتی است که بواسطه آن افکار و خیالات و مقاصد فلی بشر در روی الواح مختلفیت شده و در عالم منتشر به شرح اتواع این آثا اندازی تاریخ تاکنون خیلی مفصل خواهد بود دشمنانی که این آثار نشر افکار از اول تاریخ بدینا کرده بسیار باشند اما آنرا خواهم بیا بیا با آنرا بیا بیا با آنرا باقیه باشد بالا ندر سرب باشد قلم میگویم آری قلم (ای قلم هم هم می) اگر قلم نبود امروز کادش با رگام عمل بر پرورد و داستان قلم چنگیز جرد برود گرام مقدمه عبرت نبیند قلم میگوید (هان) دل عبرت بین از دیده نظر کن هان) تا آخر .

اگر قلم نبود انشاء عشق مجنون و حسن لیلی نداشتی صفا و محبت به یادگار می ماند قلم میگوید .

هزار سال گذشت از حکایت مجنون هنوز مردم صحرا نشین سیه پوشند قلم است که با معامه استواری عادل و تدایر بزرگتر داشته باشد ساخته و شرافتمندی تاریخ ایران را مدفب ساخته و آثار باری فردوسی ها و نظامی ها و سعدی ها و خاقانی ها و تمام ذوق ادبی و سیاسی ایران از اثر همین قلم است مصفرات این آلت نشر افکار هم که است از قلم گذاشتی زیاد است از گفتن آن صرف میگویم مولوی میفرماید (ای زبان هم آتش هم خرمی) من میگویم (ای قلم هم آتش هم خرمی) هر دو یکی خود را انسان در ده دره آلت نشر افکار خود را ترقی داد تا امروز که بنشورت میب و خطرناک و بزرگوار در آمده آن را مدینه و آلت طبع و چاپ میگویند این مدینه بطن است و طبعیه نیست است امروز در تمام دنیا دیگر هر یک قلم خوش باید حق یا باطل در یک آن بویله همین آلت نشر میشود دنیا را زیر و رو میکند عالم را متزلزل مینماید اما افراد بیشتر از تکرار میدهند.

مطبوعات میتوانند در یک روز و یا چند سطر سعادت ابدی بانی را فراهم سازند از اینجا است که هر یک از بزرگان دنیا یک زبانی در خصوص قلم و مطبوعات چیزی میگویند یکی میگوید (ای قلم تو خیلی شنگی ولی در ملکیت من منظره از آنچه معلوم غریبتر که جریده نگاران میگویند (شما مرا بزمین زدی)

کاسترو رئیس جمهوری و زورولا میگوید (من از دروازه بانی دوزخ نمی ترسم ولی از صبر قلم روزنامه نویس بر خود میلرز) اما استاد معظم و مری بزرگوار عالم شیخ محمد علی الرحه می فرماید:

قلم زن نگه دار و بشیر زن تعطرب که مری نباید زدن امروز مصلحت با قلم و مطابع و مطبوعات برای فرد فرد بشری سخت شده چرا ؟ برای این که معلوم شده مقام قلم نیست از دو مقابل قلم زانو بر زمین بزنم به این معنی هست که ترکه افکار و تقدیس خیالات خودم بکوشم تا از اثرات مکرر من بوسیله قلم باطله بدین معنی بخورم یا بخوانم یا با قلم یا با قلمت عاید نکردم خداوند پروردگار را بحق سوره مبارکه و القلم و ما یسطرون نستعیدهم

با کمال تأسف و معیت وارده بخوانده محترم مشایخ و بخصوص بانی مهدی مشایخ کلیت میگویم سلاطین و سوری ایشان را از قلم و قلمت مشایخ تحریریه

تسلیم

با کمال تأسف و معیت وارده بخوانده محترم مشایخ و بخصوص بانی مهدی مشایخ کلیت میگویم سلاطین و سوری ایشان را از قلم و قلمت مشایخ تحریریه

فرمان



خدا - شاه - مبین

بقیه از صفحه ۱

فراموش نشدنی که ما از این سرزمین داریم
ما را بدان علاقت و برای همیشه شیفه و
پای بند استقلال و تمامیت ارضی آن ساخته
است تا در برابر گدشتگان سرافکنده
نبوده و در نزد آینه گمان نیز محترم
باشیم.

هجرتین بهادرت تاریخ ملت ایران
در طول تاریخ پرافتخار خود نسبت به آن
مقام مقدس که هواری حافظ حقوق ملی و
حدود و تورات مملکت و موجب بهم بستگی
و ارتباط کامل و بهترین مرکر نقل ملی
بوده است.

یعنی مقام شایسته سلطنت بیداد احترام
و تعظیم نگریسته است و بیوسته گفته
«شاه» لقبی جلب احترام عمومی دانوده
است.

بویژه که بتدکان اعلی حضرت معبد
رضا شاه آراسته صفات حسن و سعادی
حیله و خصائل پندیده هندو حقیقت یک
پادشاه یتیم معنی دمکرات است که تمام
هم خود را در راه اعتلای ایران و راحتی
مردم و آبادانی این سرزمین مصروف نموده
است.

این سه کلمه مقدس را که زینت بخش
صفحه اول روزنامه نمودیم بهترین هدف
و آمل ما بود اینراه خبر که متضمن حفظ
استقلال و تمامیت ارضی کشور و سلطنت
مشروطه و آزادی و دمکراسی و صلاح
عمومی است گام بر میداریم و از طریق
این سمناور بزرگ تسایای جان بیاباره
خواهیم پرداخت.

عواملی را که با این اصول و مقاصد
مقدس متضاد باشد باید خدا و پشتیبانی
ملت ایران از یحیی بن برکت و در راه
آزادی حقیقی و راحتی مردم و مبارزه با
عوامل فساد حفظ استقلال کشور و اعتلای
پرچم شریف خودیش از افتادگان بیرون
نخواهیم نمود.

باشد تا با افشای مقایق و انکسای
آمرانهای ملی و اودانه طرق اسلامی ثوبه
خود فنی در راه خدمت بملکت برسد
داریم.

و یاری خداوند متعال و در طلب تو جهات
عالیه شاهنشاه معظم و دجال خیر خواه
کشور را از این روطه مهینک که با
افتخارات تاریخی و سوابق متضمن آن هیچ
وجه توافق نبوده رها نیده و در شاهراه
رقی و تعالی هم آهنگ با دنیای مترقی و
ملل راقیه جهان دوش بدوش کاروانند
پیش برود تا مقامی را که شایسته سوابق
ناویدی آنست احراز نماید
زنده باد شاهنشاه

پاینده باد مبین
بر فراز باد پرچم

هیئت تحریریه

شادروان بعبی معرفت

بقیه از صفحه ۱

ایکجه بجلل معروف ماموریت کشتن معظم له
را با و بعد انعام و خلعت ادراج میکند
مجلل با انواع حیل خواسته است نیت
پایید خود را اجرا نماید لیکن دوستان معرفت
که با نهایت دقت مراقب او بوده اند از
سوء قصد مجلل و سلازلار او مدتی جلوه
گیری مینمایند تا اینکه مرحوم معرفت
ناگزیر میشود در یکی از محلات امامیه
زاده حاج خانم منت چهل روز تحسن
نمایند.

در اینست جز شعیس مرحوم قطب
المادین حاج شیخ عبدالله و یکفر از اخوان
مرحوم معرفت (جانب آقای ابوالوفاء متدعی)
کسی از جریان تحسن و تلف نبوده آنان
هم درخواهی نصف شب بدیدار او میرفته
اند و او را در حفظ جان آن مرحوم کوشش
فراوان نموده اند.
مرحوم معرفت در این موقع از فراغت
استفاده و کتاب غرائب السیاحات فنی
تذیل البایات الصلحات را که در احوال
سلسله نشینده است بیک قدیم از هر بی
داری ترجیه و آنرا خط السیاحات فنی
تقسیم غیور سحاح نام میدهد و کتابش
را هم با خط شویای خود انجام می
دهد.
این کتاب که در تعریف و تاریخ

دورنهای کاریگاتورهای این هفته

مسائل مختلف سیاسی روز محشری در جراید پایتخت برپا
نموده ، کاریگاتورهای مختلفی در روزنامه ها چاپ میشود که
هر کدام دیدن دارد ، ما برای خوانندگان عزیز خود نشین
بویژه آنها که دسترسی به تمام جراید ندارند ذیلا خلاصه ای از
کاریگاتورهای جراید مختلف المملکت این هفته را چاپ نموده
امیدواریم که این ابتکار ما مورد توجه و رضایت خوانندگان
قرار گیرد و در آینه بتوانیم بطرز بهتری کلیه کاریگاتورهای
مهم را که در ظرف هفته در جراید چاپ میشود بنظر خوانندگان
برسانیم .
فردوسی

خدا نیک

این کاره بر سر منهد است ممکن است قابل سر جاز تر باشد



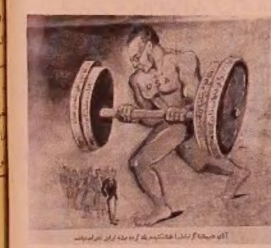
حمله



آینده ایران



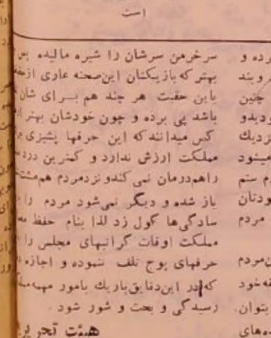
مهر ملت



بر خاش



مرد دزم



مرد دزم



مرد دزم



مرد دزم



مرد دزم



مرد دزم



تنبیه آزادی که شاه به ملت داد؟



مرد دزم



مرد دزم



مرد دزم



مرد دزم



مرد دزم



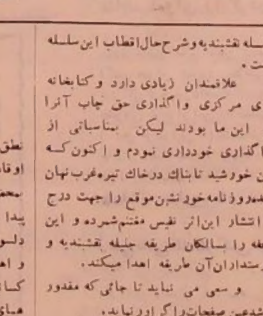
مرد دزم



مرد دزم



مرد دزم



مرد دزم

نقهای قبل از دستور در دزدای ملت

را درمان نمیکند

این روزها اگر دقت کرده باشید
نقهای قبل از دستور بیش از سایر
اوقات ابرار میشود و هر یک از اینان
بیکدیگر مثل کبک از خواب گران بر
خیزد بخود آمده و برای موکلین بچاره
اشک تسلیح میریزند و از دولت میخواهند
که فوراً چنین و چنان کند و در بطور نه الین
حوزه انتصاب آنها رشک پست شود ،
کسی نیست از این آقایان سؤال کند شما
که هر کدام چند دوره خوب یا بد بعنوان
قلمی برای اصلاح حال موکلین اسی و
حوزه انتصابه خویش بر نداشته اند اکنون
یکدیگر مثل کبک از خواب گران بر
خیزد بخود آمده و برای موکلین بچاره
اشک تسلیح میریزند و از دولت میخواهند
که فوراً چنین و چنان کند و در بطور نه الین
حوزه انتصاب آنها رشک پست شود ،
کسی نیست از این آقایان سؤال کند شما
که هر کدام چند دوره خوب یا بد بعنوان

سلسله نشینده به و شرح حال آفتاب این سلسله
است.

علاقتمندان زیادی دارد و کتابخانه
های مرکزی و انکادری حق چاپ آنرا
از این ما بودند لیکن سیاسیانی از
و انکادری خودداری نمود و اکنون که
آن خودیش تابک در خاک تیره غرب نهان
شده و روزنامه خودنیز موقع را جهت درج
و انتشار از این نفیس منتقم شمرده و این
نقطه را سالکان طریقه جلیله نشینده و
دوستان آن طریقه اعدا میکند.
و سعی می نماید تا جایی که مقدور
باشند صفات او را گردانید.